



مقدمه سوم: معنای طهارت و نجاست در اصطلاح فقهی

مرحوم فاضل جواد در مفتاح الکرامه می‌نویسد:

«لا ريب أنَّ الطهارة قد نقلت في العرف إلى معنى مناسب للمعنى اللغوي و قد صرَّح جماهير الأصحاب بأنَّها حقيقة شرعية و في «غاية المراد و المدارك» أنَّ الأصحاب اختلفوا في المعنى المنقول إليه هل أخذ فيه إزالة الخبث أم لا؟»^۱

توضیح:

۱. طهارت در معنای لغوی اولیه خود به معنای پاکیزگی بوده است
 ۲. و امروزه بی‌تردید در میان اهل عرف [چه رسد به اهل فقه] به معنای جدید که مناسب با آن معنی است، نقل یافته است.
 ۳. اما در اینکه آن معنای جدید چیست، اختلاف نظر است:
 ۴. آیا در معنای جدید، زوال خبث هم داخل است و یا فقط بر زوال حدث صدق می‌کند.
 ۵. [ما می‌گوییم: ازاله خبث معنای تطهیر است و باید زوال خبث گفته شود]
- ما می‌گوییم:

۱. ما حصل فرمایش فاضل جواد آن است که آیا طهارت تنها بر غسل و وضو و تیمم صدق می‌کند (که باعث طهارت از حدث می‌شوند) و یا آن چیزی طهارت است که علاوه بر طهارت از حدث، طهارت از خبث هم باشد.
۲. مطابق فرمایش ایشان، در اصطلاح جدید، «صرف طهارت از خبث» (بدون وضو یا غسل و یا تیمم) طهارت نیست.

۳. این مطلب مقابل چیزی است که مرحوم همدانی در مصباح الفقیه مطرح کرده است:
«و فی عرف الشارع و المتشرعة: قذارة خاصة مجهولة الكنه لدينا اقتضت وجوب هجرها فی أمور مخصوصة، فكلّ جسم خلا عن تلك القذارة فهو طاهر نظيف شرعا.»^۲

مرحوم شیخ در تعریف طهارت و نجاست می‌نویسد:

«أنَّ الطهارة قد يطلق اسم مصدر، فيكون المراد منه عند الفقهاء: إحدى الطهارات، و قد يطلق على صفة حقيقية أو اعتبارية في المكلف، و هي: الحالة الحاصلة عقب إحدى تلك الثلاث، و يقابلها بهذا المعنى الحدث، و قد يطلق على صفة حقيقية أو اعتبارية في الأجسام، و يقابلها بهذا المعنى:

^۱ . مفتاح الکرامه، ج ۱، ص ۲۰

^۲ . مصباح الفقیه، ج ۷، ص ۷



النجاسة، فهي النظافة و الخلو عن النجاسة. و النجاسة لغة: القذارة، و شرعاً قذارة خاصة في نظر الشارع مجهولة الكنه، اقتضت إيجاب هجرها في أمورٍ مخصوصة، فكل جسم خلا عن تلك القذارة في نظر الشارع فهو طاهر نظيف.^۱

توضیح:

۱. طهارت در ۳ معنای مختلف استعمال می شود:
۲. یک) به معنای اسم مصدری (شستشو) و مراد از آن وضو، غسل و تیمم است (یعنی به این سه، طهارت گفته می شود، چرا که این ها کاری و مصدری هستند (مثل پاک کردن و شستن) و نام خود این امور به عنوان اسم مصدر، طهارت است).
۳. دو) صفتی که بعد از وضو گرفتن و غسل کردن و تیمم کردن در مکلف ایجاد می شود (یا به سبب این امور در مکلف ایجاد می شود)
۴. البته ممکن است بگوییم این صفت یک صفت حقیقی است (مثل اینکه وقتی آب بر روی زید ریخته می شود، زید خیس می شود) و یا یک صفت اعتباری است (یعنی تکویناً حالتی در زید ایجاد نمی شود ولی شارع او را دارای یک صفت اعتبار می کند، مثل اینکه وقتی نام کسی را زید می گذاریم تغییری در او ایجاد نمی شود ولی اعتباراً او دارای این نام می شود)
۵. مقابل اصطلاح دوم، حدث است یعنی مکلف به سبب غسل و تیمم و وضو طاهر می شود و اگر طاهر نباشد دارای صفت حدث است.
۶. [اصطلاح اول، مقابل ندارد، یعنی اسم غسل و وضو و تیمم طهارت است]
۷. سه) صفتی که در اجسام پدید می آید (یعنی می گوییم این آب طاهر است) و مقابل این اصطلاح نجاست است
۸. مقابل اصطلاح سوم، (طهارت به معنای نظافت و عدم نجاست)، نجاست است
۹. اما نجاست در لغت به معنای قذارت و پلیدی است.
۱۰. اما در اصطلاح شرعی، یک نوع پلیدی است که کُنه و ذات آن معلوم نیست ولی در برخی از امور، باید از آن اجتناب کرد
۱۱. پس هر جسمی که از این پلیدی خالی باشد، در نظر و اصطلاح شارع طاهر است.

۱. کتاب الطهارة، ج ۵، ص ۱۹

مقدمه چهارم: تقسیم نجاست به مجعول و غیر مجعول

حضرت امام می نویسند:



در خارج فقه امامیه حسن خمینی

«یحتمل فی بادی النظر یحتمل فی بادی النظر أن تكون النجاسة من الأحكام الوضعية الشرعية للأعيان النجسة عند الشارع؛ حتّى فيما هو قدر عند العرف كالبول و الغائط، فتكون النجاسة قذارة اعتبارية غير ما لدى العرف بحسب الحقيقة، موضوعاً لأحكام شرعية. ويحتمل أن تكون أمراً انتزاعياً من الأحكام الشرعية، كوجوب الغسل، وبطلان الصلاة معها وهكذا. ويحتمل أن تكون أمراً واقعياً غير ما يعرفها الناس، كشف عنها الشارع المقدّس، ورّتّب عليها أحكاماً. ويحتمل أن تكون الأعيان النجسة مختلفة بحسب الجعل؛ بمعنى أن ما هو قدر عرفاً - كالبول و الغائط و المنی - لم يجعل الشارع لها القذارة، بل رّتّب عليها أحكاماً، وما ليس كذلك كالکافر و الخمر و الکلب، ألحقها بها موضوعاً؛ أى جعل واعتبر لها النجاسة و القذارة، فيكون للقذارة مصداقان: حقیقی و هو الذى يستقذره العرف، واعتباری جعلی کالأمثلة المتقدّمة وغيرها من النجاسات الشرعية التى لا يستقذرها الناس لو خلّیت طباعهم وأنفسها. أو ألحقها بها حکماً؛ أى رّتّب عليها أحكام النجاسة من غير جعل نجاسة لها.»^۱

توضیح:

۱. احتمال اول: نجاست یک حکم وضعی اعتباری است (حتی در مورد آنچه نزد عرف هم پلید است)
 ۲. مطابق این احتمال، نجاست در اصطلاح شرعی، غیر از پلیدی حقیقی عرفی است و همان معنای اعتباری موضوع احکام شرعی است.
 ۳. احتمال دوم: نجاسات یک امر انتزاعی است که از احکام تکلیفی انتزاع شده است.
 ۴. [ما می‌گوییم: ان قلت: مراد امام در احتمال اول آن است که نجاست یک حکم وضعی مجعول است و در احتمال دوم آن است که نجاست یک حکم وضعی انتزاعی. پس تقابل امر انتزاعی با حکم وضعی که در کلام حضرت امام مطرح شده است، صحیح نیست و باید بین حکم وضعی مجعول و حکم وضعی غیر مجعول (انتزاعی) تقابل قرار داده می‌شد.
- قلت: حضرت امام آنچه را که جعل نشده باشد، حکم شرعی نمی‌دانند و لذا اگر نجاست از احکام تکلیفی انتزاع شده باشد. صرفاً یک امر انتزاعی و نه حکم وضعی است.^۲

^۱ . کتاب الطهارة، ج ۳، ص ۹

^۲ . استصحاب (امام خمینی)، ص ۶۶



همچنین توجه شود که امام (بر خلاف شیخ انصاری) معتقدند امور وضعی هم می‌توانند مستقلاً جعل شوند و لذا حکم شرعی باشند و هم ممکن است از حکم‌های شرعی انتزاع شده باشد.^۱

۵. احتمال سوم: نجاست در اصطلاح شرعی، یک امر واقعی است که البته عرف آن را نمی‌شناسد و شارع آن را به عرف می‌فهماند و لذا بعد حکم شرعی را بر آن مترتب می‌کند [یعنی نجاست، بیان یک موضوع تکوینی ناشناخته است]

۶. احتمال چهارم: برخی از اعیان خارجی که عرفاً پلید هستند، جعل مستقل ندارند و به سبب همان پلیدی عرفی محکوم به حکم شرعی می‌شوند. ولی برخی دیگر با جعل شرعی ملحق به آنها شده‌اند. [توجه شود که در اینجا، جعل شارع ادعاً برخی از موضوعات را مصداق اعتباری برای قذارت عرفی قرار می‌دهد و نه اینکه برای آن مصادیق، نوعی دیگر از قذارت را جعل کرده باشد.

به عبارت دیگر، حضرت امام نمی‌فرمایند که برخی از نجس‌ها قذر عرفی هستند و برخی قذر غیر عرفی بلکه می‌فرمایند برخی نجس‌ها مصداق «حقیقی قذر عرفی» هستند و برخی دیگر «مصادیق اعتباری قذر» عرفی هستند.]

۷. یعنی ملاک همان قذارت عرفی است که برخی مصادیق آن حقیقی است و برخی از مصادیق آن جعلی است.

۸. احتمال پنجم: برخی از اعیان خارجی که عرفاً پلید هستند، جعل مستقل ندارند و به سبب همان پلیدی عرفی محکوم به حکم شرعی می‌شوند ولی برخی دیگر بدون اینکه شارع آنها را پلید اعتبار و جعل کرده باشد، محکوم به حکم آن دسته قبل کرده است.

۱. ن ک : همان، ص ۷۰